

از گوشه و کنار جراند جهان



بزرگترین  
«برنارد شاو» فیلسوف انگلیسی گفت:

# اسلام آئین آینده جهان است

نقل از

روزنامه

لایت

چاپ انگلستان

۱۹۳۱

در عین حال اسلام به پاکی و خلوص و زنگ همیشگی خود باقی ماند. اسلام همیشه بلندکفایت قوی بوده و اساس و شالوده خود را حفظ نموده تا امروز هم همینطور است و خواهد بود.

سپس «برنارد شاو» اضافه می کند که هر قدر دنیا در راه ترقی گام بردارد، بهر اندازه که بشر در علم و فلسفه پیشروی کند باز اسلام جلو تر است.

در عین حال به مقصود اصلی فراهم سازد، شرح میدهد و میگوید: اگر انسان، همان انسانی است که حقا یا عینی مظهر خدا باشد باید تعالیم اسلامی را پیشرو خود قرار دهد!

## فلسفه و علم

اولین نظر برای که جرج برنارد شاو برای قابل است که اسلام ترقیات حاصل از فلسفه و علم را یعنی تعالیم اسلامی موجب بسط فلسفه و علم است.

دوست است که اسلام در اوایل ظهور از طریق یونان به ممالک غرب رسید و از فلسفه یونان اقتباس کرد و تحقیقاً هیچگونه فکر و اصولی اعم از مذهب یا غیر آن در دنیا موجود نشد مگر این که اسلام و مسلمان چیزی از آن اقتباس نمودند اما

درباره اسلام و مزایای اجتماعی آن سخن می گوید. ما آنرا با اصلاح مختصری که اصالت آنرا تغییر ندهد در زیر از نظر خوانندگان محترم میگردانیم و توصیه میکنیم بعنوان يك سند روی آن دقت نمایند.

بخش را که در زیر از يك روزنامه معروف انگلیسی مربوط به ۱۰۰ سال پیش میخوانند سند زنده ای است که وسیله یکی از بزرگترین دانشمندان قرن ما درباره اسلام انشای یافته است. او با سراحت کم نظیر و در خود تحسینی

روزنامه «لایت» چاپ انگلستان تحت عنوان پیشگویی «جرج برنارد شاو» می نویسد:

این شخصیت عالی مقام علمی و اجتماعی میگوید: از صد سال پیش بلکه بیشتر این موضوع احساس شده که ممالک غربی عموماً و انگلستان خصوصاً باید تعالیم اسلام را به حسن قبول تلقی کنند.

نکته جالب اینکه جرج برنارد شاو در همین اینکه در گذشته عقیده بخدا نداشت و هیچیک از احکام مذهبی دنیا نبود که دچار نیش قلم انتقاد او نشده باشد. و نیز با وجودی که دیبای غرب او مکتب اسلام

## حقوق افراد در اسلام

علت دیگری که اسلام را مورد قبول عموم قرار داده طرفداری جدی آن از حقوق انسانیهاست، اسلام در این قسمت آنقدر تسوی است که نظیری برای آن متصور نمی باشد. نه در یونان قدیم و نه ممالک پیشرفته امروز اروپا و آمریکا می تواند در این طریق با اسلام برابری

کند .

سوال کند که شما کی هستید مخاطب جواب می‌دهد که من انگلیسی یا فرانسوی و غیره هستم ولیکن در دنیای اسلام آفریقایی، ترک، ایرانی، میگوید من یک کافر مسلمانم.

از این نظر معلوم می‌شود که قبل از هر چیز مذهب را پیشرو قرار داده‌اند، بعین جهت که اسلام همه را مساوی می‌داند

\* \* \*

### موضوع دارایی در اسلام

طرز تقسیم اموال و دارایی در اسلام طوری مقرر گردیده که هر کس اجازه تهیه ثروت و استقلال مالی را داده‌است. موضوع دسوسالیزم (یعنی صحیح آن) که در غرب فقط سخن از آن می‌گویند و هنوز هم با عمل منطبق نشده. در اسلام از هزار و سیصد سال قبل مثل مثلاً قانون عمومی اجرا شده است.

سرمایه‌داری بصورت کنونی، همان اصل منحوس و نفرت انگیز، در آئین اسلام غیر ممکن است بود پول و تنزیل در اسلام تحریم شده تا هر کس کار کند و زحمت بکشد زندگی خود را به دست آورد. بهر نازد شایه تصدیق می‌کند که دنیا عموماً و انگلستان خصوصاً بایستی اسلام، با آئین و تمایلی شبیه به آن را برای نجات خود انتخاب کرده؛ خواهی نخواهی به آن بگردد و مسلمین باید مباحثات کنند که چگونه و شش فکرترین سوسیالیست. های غرب می‌کوشند که (اصلاً تمایلات) اسلام را آئین خود قرار داد. و باین وسیله دستکار شوند.

حقیقتاً برادری و مساوات صحیح و کاملی که در تعالیم اسلامی وجود دارد موجب کمال شگفتی است، بعضی مذاهب دیگر نیز مساوات و برادری را جزو اصول خود نام برده‌اند ولی به تجربه رسیده که تمام حرف بوده است!

\* \* \*

### اختلاف رنگ‌ها

در دنیائی که ما زندگی می‌کنیم یعنی محیط خارج از اسلام مسئله رنگ و نژاد، کاملاً بر احساسات نوع دوستانه بشر حکومت می‌نماید. در هر موردی که بین نژاد سیاه یا زرد یا سرخ با نژاد سفید تصادفی بوجود آید نژاد سفید بر آنها حکومت کرده، و حاصل دسترنج آنان را بخود اختصاص میدهد، در اسلام تفوق نژادی کاملاً از میان برده شده است.

تمام کسانی که معتقد به تعالیم اسلام هستند بدون توجه به رنگ و نژاد با یکدیگر مساوی‌اند. اگر در مغرب زمین ماملات اتفاق بیفتند یک کافر از دیگری

### هوش و بی‌هوشی

از خاطر ناکسان فراموشی به  
وز گفته ناصواب خاموشی به  
هوشی که تراب سوسوی جانان نکشد  
زان «هوش» هزار باره بی‌هوشی به!  
«از ادیب بیرجندی»